

# بررسی و شناخت آثار عکاسی

گرد آوری: مجتبی پیروی

جلسه چهارم

## عکاسی تصویر گرا / پیکتُرئالیسم / Pictorialism

جنبش هنری است که در اواخر قرن نوزدهم آغاز شد و تا اوایل قرن بیستم ادامه داشت. تاکید هنرمندان این سبک به کیفیت جنبه هنری برای خلق تصویر زیبا شناسانه متمرکز میشود تا صرفاً ثبت یک رویداد. عکس های تصویر گرا ها بیشتر دارای فوکوسی دقیق نبودند و یا از رنگ های دیگری مانند تنالیده های قهوه ای و یا رنگ های آبی در فرآیند چاپ استفاده میکردند، همچنین از ضربه های قلمو یا دست کاری عکس ها و نگاتیو ها به عنوان تکنیک های خلق آثارشان بهره میبردند. برای تصویرگراها، عکس ها، مانند یک اثر نقاشی، طراحی و یا یک اثر حکاکی شده که هنر های والای آن زمان محسوب میشدند، سعی در القای حس درونی هنرمند به مخاطب نقش دارد، لذا آنان سعی در بر شمردن عکاسی به عنوان هنری والا بودند تا یک فرآیند شیمیایی برای ثبت لحظه. این جنبش مابین سال های ۱۸۸۵ تا ۱۹۱۵ از محبوبیت زیادی برخوردار بود و تا اواخر دهه ۱۹۴۰ رواج داشت.

با ابداع عکاسی و محبوبیت آن بسیاری از هنرمندان دیگر مخصوصاً نقاشان سعی در استفاده از این تکنیک برای پیشبرد آثارشان کردند و یا به طور کل عکاسی را جایگزینی برای نقاشی های خود دیدند مخصوصاً نقاش های پرتره. از هنرمندان به نامی که از عکاسی استفاده کردند میتوان به : « دلاکروا، پل سزان، دگا، مانه و گُگن اشاره کرد». بنابراین تقابل و رقابتی بین عکاس ها و نقاش های آغاز گشت به طوری که اغلب عکاس های تصویرگرا قبلاً به نقاشی حرفه ای می پرداختند از آن جمله میتوان به : آلوین لندگُن کُبرن، ادوارد استایکن و اسکار گوستاو ری لاندر اشاره کرد که از آموخته های خود از نقاشی در عکس هایشان به وفور استفاده میکردند. در نهایت جنبش تصویر گرایی تا اواخر دهه ۱۹۲۰ محبوب بود و این محبوبیت اگر چه کمتر اما تا اواخر جنگ جهانی دوم ادامه داشت. در این مدت سبک های جدیدی همچون مدرنیسم پدید آمد که سبب شد طیف وسیعی از جامعه به عکس های با فوکوس بهتر گرایش پیدا کنند. هنوز میتوان ریشه های عکاسی تصویر گرایی را در عکاسان حال حاضر با تصاویر سبک فاین آرت دید.



محو شدن / احتضار، عکس ترکیبی، هنری پیچ رابینسون، ۱۸۵۸.

پیکتُرالیست نامی بود که 'هنری پیچ رابینسون' در ۱۸۶۹ برای اولین بار در کتابی به نام «اثر تصویری در عکاسی، نکاتی در زمینه ترکیب بندی و سایه ها برای عکاسان» به آن اشاره کرد. این اولین بار بود که به تصویرگر بودن عکاسی به عنوان سبکی مستقل اشاره میشد. رابینسون در کتاب خود به ترکیب عکس ها اشاره میکند، روشی که نزدیک به بیست سال با ترکیب نگاتیو های یا عکس های مختلف و خلق تصویری جدید تجربه کرده بود.



مرگ پادشاه آرتور ، جولیا مارگارت کامرون، ۱۸۷۴.  
عکس صحنه سازی شده با فوکوس واضح و شفاف، مدل ها و لباسشان به دقت انتخاب  
و در تصویر جایگذاری شده اند. عکس برداری شده برای کتاب شعری از شاعر و همسایه  
جولیا مارگارت، آلفرد لرد تنیسون.



منتظر میمانم ، جولیا مارگارت کامرون، ۱۸۷۲.



پیتر هنری امرسون (۱۸۵۶-۱۹۳۴)

عکاس انگلیسی و از اولین افرادی بود که سعی در القای معنای هنر به عکاسی مانند دیگر هنر های والا همچون نقاشی داشت. ایشان از موقعیت های پدید آمده در طبیعت با تکنیک ابداعی خود که واضح سازی بخش از تصویر و محو کردن قسمت های دیگر به انتخاب خود بود عکس هایش را به ثبت میرسانید. ایشان معتقد بود که هر عکس معرف واقعی است از هر آنچه برای چشم انسان قابل دیدن است. برای همین نسبت به آثار عکاسانی که از تکنیک های ترکیبی مانند رابینسون و ری لاندر استفاده میکردند به شدت انتقاد میکرد.

امرسون در ۱۸۸۹ کتابی جنجالی به نام «عکاسی ناتورالیستی» (طبیعت گرا) را برای دانشجویان رشته هنر منتشر کرد که بیانگر دیدگاه های او در مورد اهمیت به واقع نگری و نقش عکاس برای وفاداری به این واقعیت اشاره میکند. اعتقاد ایشان مبنی بر این بود که؛ عکس ها صرفا باید درون دوربین تولید شود و نه درون تاریکخانه و عکاسی به طور مستقل هنریست والا همچون دیگر هنر های زیبا. البته نظریه او پایدار نبود به طوری که در ۱۸۹۰ با انتشار جزوه ای به نام مرگ عکاسی ناتورالیستی از گفته های خود دست کشید.



کُپه کردن نی ها، از اولین آلبوم عکس منتشر شده به نام زندگی و مناظر در کرانه نُرفُلک، پیتر هنری امرسون، ۱۸۸۷.



اعترافات، از آلبوم تصاویری از زندگی در زمین کشاورزی تا باتلاق، پیتر هنری امرسون، ۱۸۸۷.





شخم زدن، از آلبوم تصاویری از زندگی در زمین کشاورزی تا باتلاق، پیتر هنری امرسون، ۱۸۸۷.



مرد ماهیگیر در خانه، پیتر هنری امرسون، ۱۸۸۷.  
امرسون بین سال های ۱۸۸۵ تا ۱۸۹۵ از افرادی که بر روی رودخانه و کانال های آب سافلک و نرفلک، امرار معاش میکردند عکاسی میکرد.



برگشت به خانه از باتلاق ، پیتر هنری امرسون، ۱۸۸۶.



جمع آوری نیلوفر های آبی ، پیتر هنری امرسون، ۱۸۸۶.  
هدف او حفظ سنت ها با استفاده از روش های جدید عکاسی به سبک واقع گرایانه است.



برداشت جو، پیتر هنری امرسون، ۱۸۹۰.



مزرعه پیاز، برنده مدال افتخار از انجمن سالانه عکاسی انگلستان، **جرج دیویسون** (۱۸۵۴-۱۹۳۰)،  
۱۸۹۰.

جرج دیویسون، یکی از عکاسان تاثیر گذار تصویرگرا و از مدیران ارشد کمپانی کداک بود. ایشان برای اولین بار از دوربین های پین هُل (سوراخ سوزنی) برای ثبت تصویر به سبک تصویرگراها استفاده نمود. نتیجه ابتکار ایشان که بر روی کاغذ های ناهموار و بافت دار و با خطوط ناواضح چاپ شده بود از اولین عکس هایی است که نام **امپرسیون** در عکاسی را به یدک میکشد. عکس های دیویسون باعث ایجاد جنجال فراوان در انجمن سلطنتی عکس انگلستان شد و منجر به خروج ایشان از انجمن و تاسیس گروهی مستقل تحت عنوان **حلقه برادران متحد** شد.



منظره، جرج دیویسون (۱۸۵۴-۱۹۳۰)، ۱۹۱۰.



روبر دماشی (۱۸۵۹-۱۹۳۶)

عکاس و نویسنده فرانسوی، یکی از پیشروان و معتبرترین عکاس های تصویر گرا. دماشی از تکنیک **گام بی کرومات** و حذف موارد غیر ضروری و با دستکاری در نگاتیو هم در مرحله ظهور و هم در مرحله چاپ استفاده میکرد که به عکس های او ظاهری نقاشی گونه میداد. دماشی نویسنده بسیار پرکار هم بود، مطالبی در مورد عکاسی که در اوایل قرن بیستم منتشر میکرد در حدود ده هزار مقاله میباشد که نامش را به عنوان یکی از پرکارترین نویسندگان عکاسی تا به امروز جاودان کرده است. در ۱۸۸۸ کلوپ عکاسی فرانسه را با کمک موريس بوکت تاسیس کرد و ۱۹۰۵ به عضویت انجمن حلقه برادران متحد درآمد.



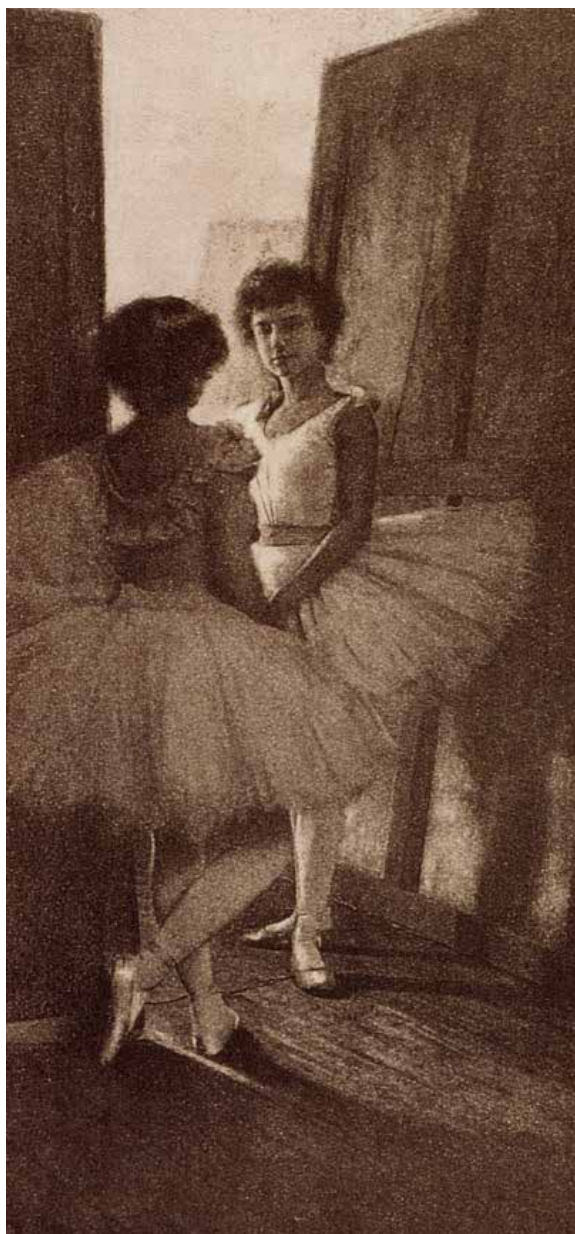


سرعت، روبر دماشی، ۱۹۰۴.

دماشی معتقد بود: فقط دانستن تکنیک های دستکاری بر روی عکس کافی نیست. عکاس هنری باید بداند؛ چه موقع موضوع اهمیت دارد، چه موقع بر روی جزئیات تاکید کند و کی به حذف آن ها مبادرت ورزد.



پاییز، روبر دماشى، ۱۸۹۹.



پشت صحنه، روبرو دماشی، ۱۹۰۴.



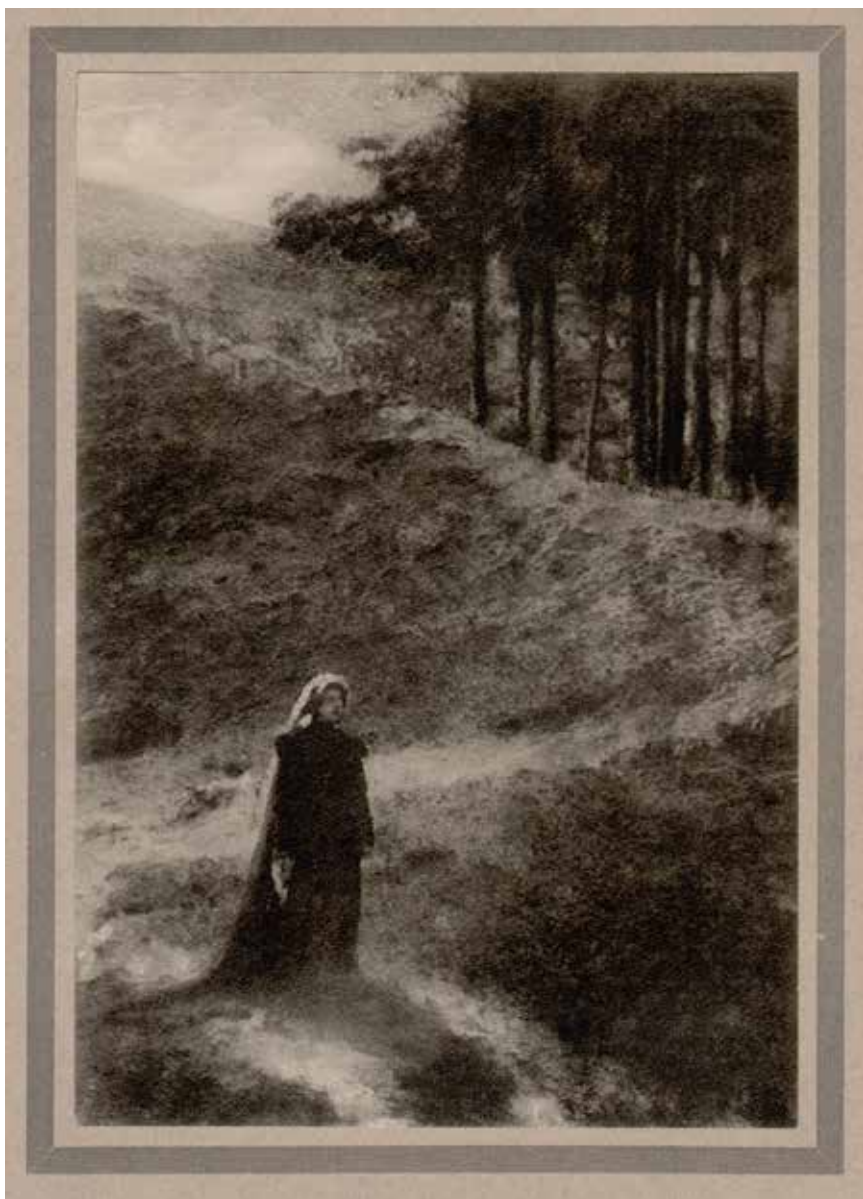
سختی، روبر دماشی، ۱۹۰۴.



مونت سنت میشل (جزیره ای در شمال غربی فرانسه)، روبر دماشی، ۱۹۰۷.



اتود (مطالعه بر روی سر)، روبر دماشی، ۱۸۹۵.



در میان درختان، روبرو دماشی، ۱۹۰۶.